ابلغ ما تستدر به الرحمان تضمر لجمیع الناس الرحمه

مؤثرترین وسیله جلب رحمت خدا این است که خیرخواه همه مردم باشی.

تازه‌های نشر

کتاب «همسران زمینی و سرداران آسمانی» منتشر شد

رفتارشناسی فرماندهان شهید دفاع مقدس در خانواده

به گزارش روابط عمومی مؤسسه بوستان کتاب، «همسران زمینی و سرداران آسمانی (رفتارشناسی فرماندهان شهید دفاع مقدس در خانواده)» اثر رضا آبیار از سوی معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی تهیه و به همت مؤسسه بوستان کتاب در ۱۰۸ صفحه منتشر شد.

لحظات کوتاه اما با کیفیت حضور شهدا در خانواده، بهترین مدل‌های رفتاری را به جامعه امروز معرفی می‌کند.

کتاب حاضر مشتمل بر شیوه‌های همسرداری فرماندهان شهید هشت سال دفاع مقدس است که در حریم خانواده در گفتار و کردار آنان بروز نموده است. از جمله ویژگی‌های این کتاب، آن است که نویسنده با قلمی روان مباحث خویش را ضمن مستندسازی به وسیله آیات و روایات، با خاطره‌های زیبا و انسان‌ساز زینت بخشیده و جلوه‌ای دلنشین از یک زندگی بهشتی را ترسیم نموده تا پیام‌های آن، بر جان و دل خوانندگان، خوش بنشیند و اثری ماندگار داشته باشد. مؤلف در مقدمه این اثر آورده است: نوشتار حاضر با هدف تبیین و ترویج سیره عملی شهدا به عنوان الگوهای تأثیرگذار برای خانواده معاصر سامان یافته است و می‌تواند آگاهی‌بخش زوج‌های جوان در زمینه مهارت‌های موفق همسرداری باشد. در ادامه بخش‌هایی از این اثر را می‌خوانیم.

■ کمک به همسر در انجام امور منزل

همسر شهید محمدابراهیم همت از کمک و همکاری شهید در امور منزل به عنوان اخلاق نیکوی همیشگی او یاد می‌کند و می‌گوید: نزدیک عملیات خیبر بود. زمستان بود و ما در اسلام‌آباد غرب بودیم. وقتی به خانه آمد، چشم‌های سرخ و خسته‌اش گویای این بود که چند شب است نخوابیده است. می‌خواستم مقدمات غذا را آماده کنم، اما اجازه نداد. دستم را گرفت و مرا روی زمین نشاند و گفت: «امشب نوبت من است که از خجالت تو بیرون بیاییم»، گفتم: «ولی تو بعد از این همه وقت، خسته و کوفته آمده‌ای...». نگذاشت حرفم تمام شود. خودش سفره را انداخت. غذا را کشید و آورد. غذای مهدی را با حوصله داد و سفره را جمع کرد. چای آورد و گفت: «بفرما، بخور».

■ ابراز محبت به همسر

شهید منوچهر مدق، مسئول پشتیبانی لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص) در قالب بیان و گفتار، علاقه‌اش را به همسرش ابراز می‌کرد.

همسرش می‌گوید: منوچهر خیلی به من و زندگیمان ابراز علاقه می‌کرد، با رفتارهایش و با کلماتش. به من می‌گفت: «فرشته! هیچ کس برای من بهتر از تو در این دنیا نیست. می‌خواهم این عشق را به عشق خدا برسانم». کنار قلب منوچهر چند تا ترکش بود که نتوانستند آن‌ها را بیرون بیاورند. وقتی به ترکش‌هایی که نزدیک قلبش بود، غبطه می‌خوردم و می‌گفتم: «ای کاش من جای آن ترکش‌ها بودم»، می‌گفت: «این‌ها کنار قلب من هستند؛ تو که توی قلب من هستی».

موعظه

آیت‌الله جاودان

رسیدن به لذت مناجات

«والـذینَ آمَنوا أشَدّ حُبّا لله» این محبت از تمام محبت‌ها شدیدتر است. ببینید سایر محبت‌ها هم هست؛ یعنی خانه و زن و بچه‌اش را دوست دارد اما می‌تواند به‌راحتی از تمامش بگذرد. اینکه آدم می‌تواند به‌راحتی بگذرد نشان ایمان است. اما اگر در یک جا نتواند، مشکل دارد. من به‌راحتی از پول می‌گذرم اما نمی‌توانم از بچه‌ام بگذرم. من که نمی‌توانم. حالا اگر محبت کسی به خدا از تمام محبت‌های دیگر بیشتر باشد یک نتایجی دارد. یکی از آن‌ها این فرمایش پیامبر است؛ «قالَ اللّهُ سُبحانَهُ: اذا عَلِمتُ أنَّ الغالِبَ عَلی عَبدی الإشتِغالَ بی» اگر من دانستم یک بنده‌ای غالب مشغولیتش با من است... «نَقلتُ شَهوَتَهُ» این آدم یک مرتبه از آن طرف می‌شود. مانند مسی که طلا شود. نه اینکه شهوتش نابود شود. خیر، شهوتش عوض می‌شود. تا به حال این را می‌خواست حالا دیگر نمی‌خواهد، یک چیز دیگر می‌خواهد. چه چیزی؟ «نَقلتُ شَهوَتَهُ فی مَسئَلتی» مثلاً می‌بینیم شبانه روز هزار بار دعا کرده. مدام دوست دارد از خدا سؤال و درخواست کند. باور کنید اگر ما یک ذره از مزه آن را می‌چشیدیم از همه علایقمان می‌گذشتیم. آیت‌الله بهجت یک بار پس از نماز رویش را به کسی کرد و فرمود: به کسانی که آن طرف هستند، پادشاهان و قدرتمندان و ثروتمندان بگو اگر می‌دانستند نماز چه لذتی دارد... یعنی اگر لذت یک نماز ایشان را در عمر او یا من و شما پخش می‌کردند از تمام پول و قدرت و... می‌گذشتیم. «نَقلتُ شَهوَتَهُ فی مَسئَلتی» شهوت او را از آنجاهایی که بود -که اگر گناه بوده در لجن بوده و اگر حلال بوده در گِل بوده- خارج می‌کنم و به سؤال از خودم و مناجات با خودم می‌برم. فرمود شهوتش را جابه‌جا می‌کنم در سؤال کردن از خودم. دائم دارد با خدا حرف می‌زند و مناجات می‌کند. «فإذا کانَ عَبدی کذلک» وقتی بنده‌ام این‌گونه باشد اگر بخواهد اشتباه کند، نمی‌گذارم اشتباه کند. دیگر اشتباه نمی‌کند. آیا می‌شود من و شما هم اشتباه نکنیم؟ بله می‌شود. «فأرادَ أن یَسهُوَ» اگر خواست یک راه اشتباه را برود، «حُلتُ بَینَهُ» من بین او و اشتباهش حائل می‌شوم. فرمود اگر خواست اشتباه کند، نمی‌گذارم اشتباه کند. «اولئکَ اولیائی حَقاً اولئِکَ الأبطالُ حَقاً» این‌هایی که مشغولیتشان با من است، به حق، دوستان من و قهرمان هستند.

سبک زندگی

حجت‌الاسلام بهشتی در برنامه تلویزیونی «سمت خدا»:

احسان به والدین آموزه تمام ادیان است

حجت‌الاسلام سید جواد بهشتی در برنامه سمت خدا به بیان نکاتی درباره اهمیت نیکی به پدر و مادر پرداخت که در ادامه بخش‌هایی از آن را به گزارش خبرگزاری تسنیم می‌خوانید.

چینش موضوعات در قرآن پیام دارد. گاهی ما انسان‌ها یکسری موضوعات را بر اساس سلیقه کنار هم می‌آوریم، اما خداوند به طرز حکیمانه موضوعات را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. به عنوان مثال امام رضا(ع) در روایتی فرمود: خداوند متعال فرمان داده سه چیز همراه سه چیز دیگر انجام گیرد: ۱- به نماز همراه زکات فرمان داده است، پس کسی که نماز بخواند و زکات نپردازد نمازش نیز پذیرفته نمی‌شود. ۲- به سپاسگزاری از خودش و پدر و مادر فرمان داده است، پس کسی که از پدر و مادرش سپاسگزاری نکند، خدا را شکر نکرده است. ۳- به تقوای الهی فرمان داده و به صله رحم، پس کسی که صله رحم انجام ندهد، تقوای الهی را هم به‌جا نیاورده است.

وی افـزود: علامه طباطبایی می گوید سعادت بشر در سایه دو چیز است: تکیه کردن به خدایی که هستی شما از اوسـت و او مقتدر و مهربان و عالِم اسـت. دوم، انسجام اجتماعی. جامعه‌ای سعادتمند است که با یکدیگر پیوند داشته باشند؛ این پیوند از خانواده آغاز می‌شود و در این چرخه، نزدیک‌ترین افراد، پدر و مادرند. برداشت علامه طباطبایی این است که احسان به والدین کنار توحید نـشان مـی‌دهد ایـن مسئله موضوعی حاشیه‌ای و جنبی نیست.

■ احترام به والدین باید به شکل زیبا صورت گیرد

این کارشناس مذهبی با ذکر آیاتی از قرآن درباره نیکی به والدین گفت: مورد اول آیه۸۳ سوره بقره است. در بخشی از این آیه می‌خوانیم «وَإِذْ أَخَذْنا میثاقَ بَنی إِسْرائیلَ لا تَعْبُدُونَ إِلاَّ اللَّهَ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً...» یعنی هنگامی که از بنی‌اسرائیل میثاق گرفتیم که جز خدا را نپرستند و به والدین احسان کنند... . این بخش از آیه نشان می‌دهد احسان به والدین در تمام ادیان بوده و بر این اساس، خداپرستان باید در خانواده مهرورزی داشته باشند و پایه‌های آن را تثبیت کنند. علامه طباطبایی می‌فرماید: احسان یعنی کار خوبی را به شکل خوبی انجام دهید. گاهی اوقات کار ما خوب است، اما شکل ارائه آن خوب نیست؛ مثلاً به دیدار فردی می‌رویم که از زیارت آمده است. آن هدیه را وقتی دور کادو می‌پیچیم جلوه دیگری دارد. آن هدیه، کار خوب و آن کادو شکل خوب آن یا حُسن آن است. در برخورد با والدین ممکن است پولی را به ایشان هدیه دهیم، اما رفتار و منش ما مناسب نباشد. پس شکل احترام به والدین باید به زیبایی صورت گیرد، چرا که مسئله‌ای است که خداوند از ما تعهد گرفته؛ این تعهد را می‌توانیم از فطرتمان متوجه شویم. فرد نسبت به خودش، حجت و امامش و نیز والدین خود تعهد فطری دارد.

■ سرمایه‌گذاری ما برای دوستمان بیش از پدر و مادر است

حجت الاسلام بهشتی با ذکر آیه‌ای دیگر از قرآن درباره ضرورت احسان به والدین گفت: خداوند در آیه ۳۶ نساء می‌فرماید: «وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَ بِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکینِ وَ الْجارِ ذِی الْقُرْبی وَ الْجارِ الْجُنُبِ...»؛ و خدا را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیک و همسایه دور و همنشینان و همراهان و در راه ماندگان و بردگان نیکی کنید». مقدم کردن احسان به والدین نسبت به دیگران یعنی ابتدای همه نیکی‌ها پدر و مادر است. سرمایه‌گذاری‌ای که برای دوست می‌کنیم، بیش از پدر و مادر است. امام باقر(ع) فرمود: عاقل کسی نیست که خوب را از بد تشخیص دهد؛ این سطح پایین عقل است؛ بلکه عاقل کسی است که خوب را از خوب‌تر و بد را از بدتر تشخیص دهد. به قول امروزی‌ها اولویت‌ها را باید تشخیص داد که این امر نشانه عقل است.

وی با اشاره به آیه‌ای دیگر گفت: همچنین خداوند در آیه۳۲ سوره اسراء تمرکزش روی احترام است؛ «وَ قَضی رَبُّکَ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ إِیَّاهُ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً إِمَّا یَبْلُغَنَّ عِنْدَکَ الْکِبَرَ أَحَدُهُما أَوْ کِلاهُما فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ وَ لا تَنْهَرْهُما وَ قُلْ لَهُما قَوْلاً کَریما»؛ و پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند [چنانچه تو را به ستوه آورند] به آنان اُف مگو و بر آنان [بانگ مزن و] پرخاش مکن و به آنان سخنی نرم و شایسته [و بزرگوارانه] بگو». انسان‌ها هرچه عمرشان جلوتر می‌رود، دوست دارند محترم و کریم باشند. دوست دارند وقتی به سن پیری می‌رسند، بیشتر تکریم شوند. این درباره والدین نسبت به فرزندانشان بیشتر صدق می‌کند.

■ فرزندان در برابر زودرنجی والدین مدارا کنند

حجت الاسلام بهشتی افزود: طبق فراز «وَ قَضی رَبُّکَ»، فرمان خداوند قطعیت دارد و استثنا ندارد. بنابراین والدین صالح باشند یا نا صالح؛ مؤمن باشند یا غیر مؤمن؛ زنده باشند یا در قید حیات نباشند، بر ما ضروری است تکریمشان کنیم. خداوند می‌فرماید: «إِمَّا یَبْلُغَنَّ عِنْدَکَ الْکِبَرَ أَحَدُهُما أَوْ کِلاهُما فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ»؛ یعنی یکی از آن دو که به پیری رسیدند، به آن‌ها اُف نگو یعنی کمترین کلمه‌ای که از آن بوی بی‌احترامی به مشام برسد، نباید گفته شود بلکه «وَ لا تَنْهَرْهُما وَ قُلْ لَهُما قَوْلاً کَریما»؛ یعنی نسبت به آن‌ها پرخاش نکن و سخن کریمانه با آن‌ها بگو. والدین که به سن پیری می‌رسند، فراموشکار و پر توقع و زودرنج می‌شوند. در چنین شرایطی باید مراعات شوند. فرزندان باید حوصله به خرج دهند، مدارا کنند و کوتاه بیایند.

این کارشناس مذهبی ادامه داد: امام صادق(ع) فرمود: «نیکی کنید به پدرانتان تا فرزندانتان به شما نیکی کنند؛ بَرُّوا آباءَکُمْ یَبَرَّکُمْ أَبْناؤُکُمْ». یکی از شاخه‌های مکافات عمل، بی‌احترامی به والدین است. اگر به پدر و مادر احسان و نیکی کنیم، نتیجه آن را در آینده خواهیم دید.

وی با اشاره به احادیثی درباره فضیلت نیکی به والدین گفت: در حدیث آمده پاداش نگاه مهربانانه به والدین، حج مقبول است. یا در روایتی دیگر نقل است رضایت آن دو، رضـای خداوند است. همچنین احسان به والدین عمر را طولانی می‌کند یا امام فرمود کاری نکنید مردم به آن‌ها دشنام دهند.

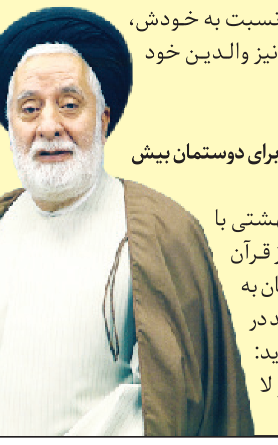

بررسی آثار سفر امام رضا(ع) به ایران در گفتاری از دکتر سعید طاووسی مسرور

روایت یک هجرت پر برکت

پارسا نیکوکار | دکتر سعید طاووسی مسرور، مدرس و پژوهشگر تاریخ اسلام و تشیع و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی است. آنچه در ادامه می‌خوانید گفتاری از ایشان در نشستی علمی با عنوان «آثار و نتایج هجرت امام رضا(ع) به خراسان در تاریخ تشیع» است که پیشتر به همت انجمن علمی تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شده بود.

در خصوص استفاده از عنوان «هجرت» و نه «تبعید» برای سفر امام باید به مقدمه‌ای کوتاه اشاره کنم. یک دلیل برای استفاده از این عنوان، وجه ظاهری قضیه است، در واقع سیاستی که مأمون در پیش گرفت در مقابل سیاستی که متوکل نسبت به عسکریین(ع) در پیش گرفت آبرومندانه‌تر بود؛ یعنی ظاهر قضیه نیز صورت تبعید نداشت. در واقع مأمون معتمدان دربارش را به مدینه فرستاد و محترمانه از آن حضرت دعوت کرد و قرار بود پیشنهاد ولایتعهدی یا خلافت به ایشان عرضه شود. اینکه امام(ع) فرمودند این به سرانجام نمی‌رسد یا بر من گریه کنید یا تأکیداتی که بعداً بر اجباری بودن قضیه ولایتعهدی فرمودند را می‌توان دلایلی برای استفاده از عنوان تبعید برشمرد ولی تبعیدی که رخ داده، خیلی شکل و شمایل تبعید نداشته است. مهم‌ترین دلیل برای استفاده از این عنوان برای این سفر، نگاه به آن از منظر حضرت رضا(ع) است؛ به این معنا که ایشان برای انجام تکلیف و مسئولیتی که به عهده داشت راهی این سفر شد در حالی که شیوه‌های دیگری چون معارضه مستقیمی که بنی‌الحسن با خلافت عباسی انجام می‌دادند، وجود داشت. امام اما تکلیف خودشان را این‌گونه تشخیص دادند و به‌واسطه این کار حتی کنایه‌ها و طعنه‌ها را نیز به جان خریدند. به هر حال عده‌ای از شیعیان می‌گفتند ما جانباز و شهید ندادیم که حالا امام بخواهد برود و ولیعهد مأمون شود که این مسائل در روایات ما نیز منعکس شده است. در واقع امام(ع) برای تکلیف رفتند کما اینکه ترک مکه نیز برای رسول خدا(ص) سخت بوده و در روایات آمده حضرت فرمودند من اگر مجبور نبودم هیچ‌گاه مکه را ترک نمی‌کردم و مکه عزیزترین شهرها و مکان‌ها برای من است. بنابراین من اشکالی در کلمه «هجرت» نمی‌بینم اتفاقاً هجرت در شرایط سخت انجام می‌شود.

یک نکته نیز اضافه کنم؛ به نسبت نگاهی که ما در حال حاضر به قضیه ولایتعهدی داریم، نگاه شیعیان متقدم حداقل این‌قدر منفی نبوده است. ما الان فقط جنبه اجباری بودن، زوری بودن، تبعید بودن و این‌ها را ذکر می‌کنیم ولی باید در نظر داشته باشیم در آن دوران، اهل بیت(ع) به حاشیه رانده شده بودند و در بدترین شرایط تقیه زندگی می‌کردند و حتی با اصحاب نزدیک خود نمی‌توانستند به‌راحتی دیدار کنند. حالا شرایطی برای گشایش ایجاد شده و حضرت در مسند ولایتعهدی به صورت صوری قرار گرفته بود. در واقع همین قدر هم که این‌ها به بزرگی و عظمت این خاندان اعتراف کردند، از وجوه مثبت آن است. کما اینکه شیخ مفید(ره) در کتاب «مسار الشیعة» روز ولایتعهدی امام رضا(ع) را روز عید می‌داند. حال ممکن است ما از چنین چیزی تعجب کنیم یا حتی برآشفته شویم در حالی که شیخ، همان شیخی است که در «الارشاد» تمام این وقایع و اجباری بودن ولایتعهدی را ذکر کرده و تذکر داده است. با این حال شیخ مفید می‌گوید این روز، از اعیاد شیعه است.

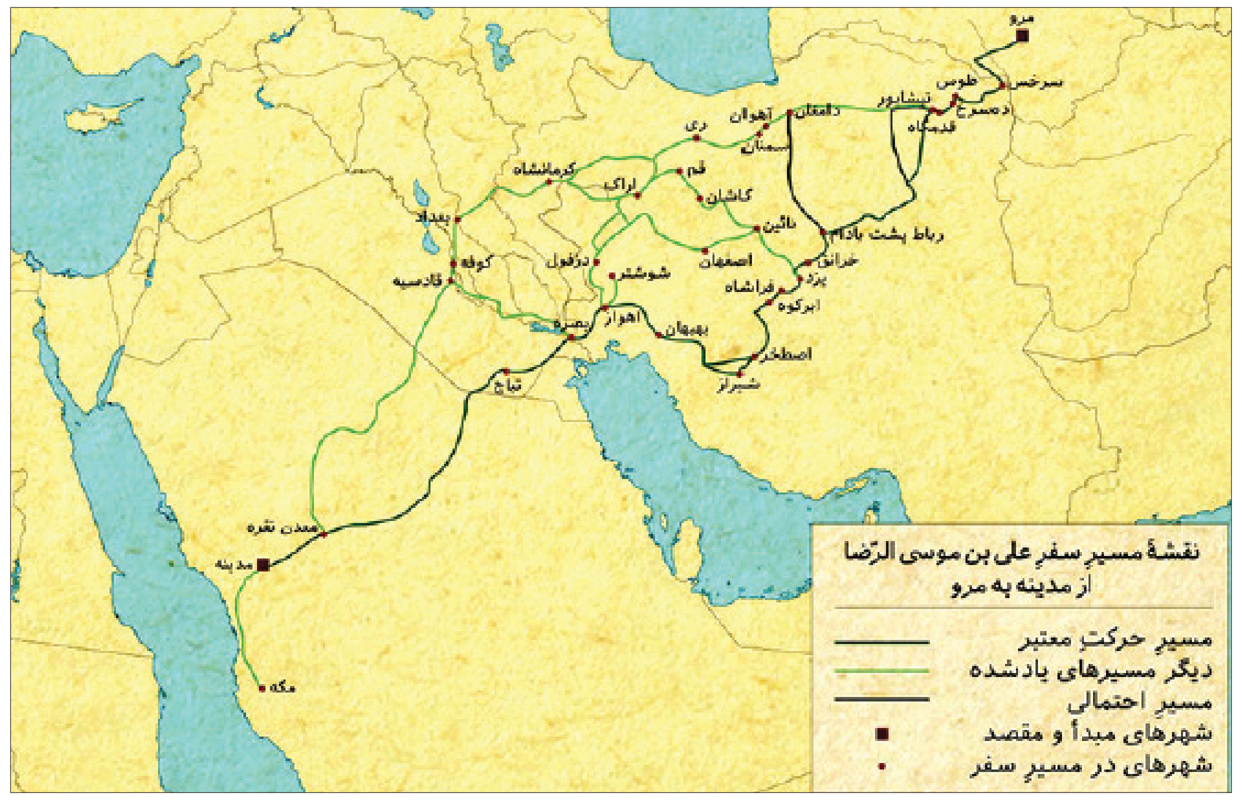

■ اهداف چندگانه مأمون و تلاش امام(ع) برای جلوگیری از تحقق آن‌ها

با ذکر این مقدمه در دلایل اطلاق عنوان «هجرت» برای سفر امام رضا(ع) از مدینه به مرو، اکنون به نتایج این هجرت می‌پردازیم. اصل این قضیه همان‌طور که در توضیحات ابتدایی بنده ذکر شد به خاطر سیاست مأمون بوده است. اینکه قیام‌های علویان در این دوره شدت پیدا کرده بوده و او می‌خواسته با ولایتعهدی، این قیام را متوقف کند که همین اتفاق نیز می‌افتد. در گزارشی در «عیون اخبارالرضا» به نقل از خود مأمون این مطالب آمده است. از قول مأمون آمده :من این مرد را آوردم تا جلو چشم من و تحت کنترل من باشد. بعد اضافه می‌کند: این افرادی که فریفته او(امام) هستند [به‌واسطه این کار] بدانند او نیز یکی مثل ماست و داخل در قدرت شده است. یعنی مأمون با یک تیر می‌خواسته چند هدف را همزمان نشانه بگیرد که البته امام رضا(ع) به حد امکان سیاست‌های او را خنثی کردند. از جمله اینکه امام شرط کردند در مسائل اجرایی مداخله‌ای نکنند تا زشتی و جنایت‌هایی که بنی‌عباس دارند به گردن ایشان نیفتد. نکته دیگر این است مأمون می‌گوید می‌خواستم او را فردی دنیاطلب نشان دهم که باز امام این را خنثی کردند با این رفتار که در جوار مسجد کاخ مأمون ساکن شدند و از اقامت در تالارها و سرسراها یا اتاق‌های مجلل کاخ پرهیز کردند. بنابراین اصل این سیاست به نظر بنده و با تحلیل بنده، سیاستی بوده که توطئه بوده ولی در ظاهر شکیل اجرا شده و این اهداف نیز تعقیب می‌شده است.

شگفت اینجاست عـده‌ای مثل سید بن طاووس و حتـی از معـاصـران مـثـل آیـت‌الله سیدحسن مصطفوی و همین‌طور سیدحسن امین فرزند مرحوم علامه سیدمحسن امین جبل عاملی قائل به این شدند که مأمون شیعه بوده و حسن نیت داشته و می‌خواسته واقعاً امام رضا(ع) را به قدرت برساند در حالی که شواهد سوءنیت مأمون متعدد هستند. از جمله این سوءنیت‌ها این است که امام را بر این کار اجبار کرد. دوم دستور داد امام را از شهرهای شیعه‌نشین مثل کوفه و قم عبور ندهند و سوم مجالس علمی که امام هشتم در مرو تشکیل دادند را تعطیل کرد. چهارم با استقبالی که از امام رضا(ع) در نیشابور انجام گرفت، امام را در سرخس در حالت بازداشت قرار داد که امکان ملاقات مردم عادی با امام فراهم نباشد و شواهد دیگر که همه دلیلی بر سوءنیت مأمون در قضیه ولایتعهدی است.

■ نقل حدیث سلسله‌الذهب در بزرگ‌ترین مرکز علمی و فکری اهل سنت

اما ایـن سفر چگونه انجام می‌شود؟ حضرت در مسیر مدینه به تباج در راه بصره است و از آنجا بـه بصره و سپس از طریق مـرز شلمچه امـروزی وارد خـاک ایـران فعلی شـدنـد. بعد در محدوده خرمشهر، اهـواز، ارجـان که همان بهبهان امـروز اسـت، اصطخر، ابرقوی یزد و سپس از طریق راه کویر یعنی رباط پشت بادام به نیشابور، توس، سرخس و مرو می‌رسند که هر کدام از این منزلگاه‌ها شاهد اتفاقات خاص خود نیز هستند. از جمله مهم‌ترین ایـن اتفاقات، نیشابور اسـت که استقبال زیـادی از امـام(ع) صـورت مـی‌گیرد. محدثان برجسته خراسان به استقبال امام می‌آیند و براساس گزارشی که داریـم، ۴هـزار نفر حدیث سلسله‌الذهب را از امـام شنیده و ثبت می‌کنند. البته در منابع اهل سنت، قسمت آخر روایت که «و بشروطها و انا من شروطها» نقل نشده و صرفاً در منابع شیعه ایـن مطلب ذکر شـده اسـت. نکته جالب در این حدیث این است که به امام گفته‌اند برای ما حدیث نبوی بگو. علت این امر نیز این است که نیشابور از بزرگ‌ترین مراکز علمی و فکری اهل تسنن بوده و با این نگاه، این محدثان خدمت امام(ع) آمده و این درخواست را مطرح کردند.

■ پراکندن نام و یاد آل علی بن ابی‌طالب و اهل بیت(ع) در ایران

اما در خصوص آثـار ایـن سفر باید گفت حضرت رضـا(ع) عـطر، نـام و یـاد آل علی بـن ابـی‌طالب و اهل بیت(ع) را در ایران پراکنده کردند. شاهدش قدمگاه‌های متعددی است که در مسیر بنا شده و تا به امروز باقی مانده است. بعضی از این قدمگاه‌ها حـاوی آثـار تاریخی از قرن‌ها پیش اسـت. نکته جالب در خصوص قدمگاه‌های امام هشتم(ع) در ایران این است که بنا بر تحقیق جناب دکتر جلیل عرفان‌منش در کتاب «همگام با امـام رضـا(ع) از مدینه تا مرو» این مسیر شناخته شده است و برخی از نقاط اصلاً در مسیر حضرت نبوده‌اند ولی قدمگاه دارنـد که دزفول یا شوشتر یا نائین از ایـن دسته هستند. کل قدمگاه‌های نائین بی‌اعتبار هستند؛ چرا؟ چون حضرت از آنجا اصلاً عبور نکرده‌اند. یا برای مثال گردنه آهوان در اطراف دامغان که برخی فکر می‌کنند همان جایی است که امام، ضامن آهو شدند، اساساً حضرت از آن منطقه عبور نکردند که حالا بخواهد چنین ماجرایی واقع شده باشد. همین جا در پرانتز باید بگویم داستان ضامن آهو به همین شکل که معروف است و در نقاشی‌ها و کتیبه‌ها کشیده می‌شود، اساساً رخ نداده است. اینکه مثلاً شکارچی بخواهد آهویی را شکار کند و بعد آهو به امام پناهنده شود بلکه این داستان عامیانه‌ای است و بر اساس تحقیق استاد مهدوی دامغانی آنچه رخ داده، پناه بردن آهویی به قبر امام هشتم در قرن پنجم بوده که در مقاله دکتر مهدوی دامغانی با مستندات به آن پرداخته شده است.

■ وجود قدمگاه‌های غیرمعتبر چه تحلیلی به ما می‌دهد؟

نکته موجود دربـاره قدمگاه‌های غیرمعتبر که به بحث آثار و نتایج ایـن سفر نیز ارتـبـاط دارد ایـن است که این سفر و حضور امـام رضـا(ع) در ایران آن‌قدر برای مردم جذاب است که مردم یاد و خاطره این سفر را حفظ کرده‌اند و حتی جاهایی که امام نرفته‌اند ولی بنایی بـه امـام نسبت داده شـده را گرامی داشته‌اند. ایـن مسئله نشان‌دهنده علاقه و حسن اعتقاد و بـاور مردم به امام رضـا(ع) است. مـا در تـاریـخ اجتماعی به‌خصوص در حـوزه‌هـای جدیدتر که به تاریخ فرهنگی می‌رسد، دیگر فقط با امر واقع کار نداریم بلکه با ذهنیت‌ها هم کار داریم. معمولاً پژوهشگران بررسی می‌کنند و می گویند این‌ها جعلی و بی‌اعتبار است. ولی باید گفت ثم ماذا؟ شما ثابت کردید این‌ها جعلی است ولی نکته مهم این است تحلیل و فهم همین‌ها نیز مهم بوده و نشان‌دهنده علاقه مردم به امام رضـا(ع) است؛ وگر نه چرا همین مکان‌ها را به دیگران نسبت ندادند؟

■ افزایش مهاجرت سادات علوی به ایران و گسترش تشیع

مطلب بعدی به عنوان یکی از آثار و نتایج سفر امام رضـا(ع) به ایـران، افزایش مهاجرت سـادات علوی به ایـران اسـت که البته در ایـن بـاره کمی نیز غلو می‌شود. یک متن عامیانه نسب‌نامه‌ای در کتب انساب غیرمعتبر نیز وجود دارد که می گوید همه امامزاده‌ها یا برای دیدار با امام رضا(ع) یا برای زیارت قبر حضرت آمده بودند. به طور کلی اصل افزایش سفر سادات به ایران رخ داده است اما اینکه فکر کنیم هر امامزاده‌ای که به ایران آمده به خاطر امام رضا(ع) بوده، چنین چیزی نیست.

به طور کلی اگر این‌ها را کنار هم قرار دهیم، حضور امام رضا(ع) در ایران موجب گسترش تشیع هم به مفهوم عام به معنای دوستی اهل بیت(ع) و هم سبب گسترش تدریجی تشیع به مفهوم خاص خود یعنی تشیع اثنی‌عشری در ایران شده است.

■ به‌وجود آمدن امکان روایت مستقیم برای محدثان شیعه و اهل سنت در شرق عالم اسلامی

این سفر برکات دیگری نیز داشت، مثلاً همین امکان نقل و روایت مستقیم طیف بسیار زیادی از محدثان شیعه و اهل سنت که در شرق عالم اسلامی در ایران و خراسان بزرگ می‌زیستند و کمتر به مدینه دسترسی داشتند و طی این سفر به وجود مقدس حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) دسترسی پیدا کردند و از ایشان به نقل روایت پرداختند.

همین‌طور شیعیانی که در ایران زندگی می‌کردند و اقلیت‌های شیعی که در ایران شکل گرفته بودند درنتیجه این سفر مثلاً در مناطق مرکزی ایران مانند قم یا حتی خود خراسان گسترش یافتند. حتی جالب است ما پس از دوره حضرت رضا(ع) خراسان را به عنوان یکی از کانون‌های تشیع می‌بینیم کما اینکه ائمه پس از امام هشتم(ع) بـرای خراسان وکیل مخصوص نصب می‌کردند یا سلسله مراتب در خراسان را گسترش می‌دادند. بنابراین امکان دسترسی به روایـات اهـل بیـت(ع) از طریق امام رضا(ع)، از برکات این سفر بوده است.

■ دلایـل اهمیت گفت‌وگوهای بین ادیـانی در مناظرات امام رضا(ع)

مسئله بعدی که باید به عنوان نتایج این سفر ذکر کنیم، همین مناظراتی است که با علمای ادیان و مذاهب در دربار مأمون انجام شده است. چرا این مسئله ذیل نتایج این سفر ذکر می‌شود؟ اگر نگاه کنیم، مدینه شهری است که از زمان خلیفه دوم تبدیل به «دارالاسلام» شده و اهل کتاب از آن اخراج شده‌اند و شهر یکپارچه اسلامی شده است و اصلاً اقلیت‌هایی مثل زرتشتی، یهود، نصارا یا صائبین در مدینه یا مکه جایگاهی نداشتند و حتی امکان ورود به این شهر را نیز نداشتند. چرا که این شهر را حرم می‌دانستند و وجود غیرمسلم را در آن جز به ضرورت، صلاح نمی‌دانستند. در حالی که در مرو و خراسان که مهد ادیان مختلف بوده، حتی بودایی‌ها سابقه داشتند و هنوز بودند. کما اینکه شیخ صدوق برای دیدار با بودائیان و پرسش از آن‌ها درباره موعود به خراسان سفر کرد. همچنین نفوذ مسیحیت را در همین منطقه داریم که نشان می‌دهد زمینه این گفت‌وگوها در این منطقه بوده و اجرا نیز شد.

■ گرایش به تشیع و افزایش اصحاب ایرانی امام هشتم(ع)

نکته بعدی خود حضور امام در شهر مرو سبب شد مردم عادی خراسان جایی غیر از مرکز اسلام که مدینه باشد، بتوانند امام را به عنوان جانشین رسول خدا(ص) و با عنوان برگزیده اهل بیت در آن مقطع از تاریخ از نزدیک لمس کنند که همین مسئله در جذب افراد به تشیع مؤثر بوده است. بنده در مقاله‌ای ثابت کردم همین جناب اباصلت هـروی همان‌طور که شیخ طوسی در کتاب رجال می‌گوید عامی بوده ولی به‌واسطه ملاقات با امام رضـا(ع) در نیشابور جذب حضرت شد. بنابراین آثار ارتباط مستقیم و چهره به چهره مردم خراسان با امام هشتم این‌گونه نمایان می‌شود و حتی خود را در افزایش اصحاب ایرانی حضرت در مقایسه با ائمه پیش از ایشان، نشان می‌دهد.

مطلب دیگری که جزو نتایج و آثار این سفر بوده، بحث دفن پیکر مطهر حضرت در سناباد توس است. فارغ از نگاه معنوی و بی‌حساب و کتاب نبودن دفن حضرت در این مکان، حتی دفن حضرت در این مکان را اتفاقی نیز در نظر بگیریم که مأمون تصمیم گرفته بود حضرت را در کنار پدرش دفن کند، از زمان دفن حضرت رضا(ع) در این مکان، در حالی که تا قرن‌ها و زمان سربداران قبر هارون حفظ شده بود ولی کم کم به حاشیه رفت و این مکان به مشهدالرضا مشهور شد. نتیجه‌اش نیز نخست شکل‌گیری یک قطب شیعی در خراسان و دوم مورد توجه قرار گرفتن این مکان توسط اهل سنت بود؛ یعنی این مرقد سبب شد نام و یاد اهل بیت(ع) در بین اهل سنت نیز ساری و جاری شود.

عکس روز

افتتاح نمایشگاه عکس رضوی «صحن سپید»

عکس: مهدی جهانگیری

رواق | به همت مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی، نمایشگاه عکس‌های حسن توکلی، عکاس پیشکسوت آستان قدس رضوی از بارگاه ملکوتی حضرت رضا(ع) با عنوان «صحن سپید» در نگارخانه رضوان مشهد افتتاح شد. پیشتر مجموعه‌ای برگزیده از عکس‌های حسن توکلی با همین عنوان در کتاب «صحن سپید» و به همت مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی منتشر شده بود. کیارنگ علایی در خصوص عکس‌های حسن توکلی از آستان مقدس امام رضا(ع) در مقدمه این کتاب نوشته بود: «سال‌هاست مردم به دیدن عکس‌های خوش آب و رنگ از مکان‌های عمومی زیارتی مشغول‌اند، آن‌گونه که معیار سنجش چنین آثاری در اذهان عمومی خوش ترکیب و زاویه بودن و آسمان‌های خوب داشتن و کنتراست‌های بالا و درجات اشباع زیاد است. خصیصه‌هایی که الزاماً نمی‌توان در آثار حسن توکلی جست‌وجو کرد و اصلاً جنس عکاسی او در محدوده این مرزها و مؤلفه‌ها نمی‌گنجد. هیچ کجای تاریخ عکاسی دسته‌بندی واضحی در مورد این روش و مسلک عکاسی نشده است. عباراتی چون عکاسی آماتوری (به معنای عاشقانه و از سر ذوق) نمی‌تواند در کنار عکس‌های حسن توکلی قرار بگیرند. این کلمه‌ها نمی‌توانند حسن توکلی را توصیف کنند؛ درست به این دلیل واضح که برای این نوع عکاسی، کم‌اند. برای این عکاسی که در چارچوب‌های علمی نمی‌گنجد و یک مسیر تجربی و بر مبنای خواست و تصمیم‌گیری و تشخیص دلی پشت آن است، این واژه‌ها ابتر و ناقص‌اند».

حدیث قدسی

۶ چیز از من ۶ تا از شما

خداوند متعال فرمود: بندگان من، ۶ چیز از من و ۶ چیز از شماست: آمرزش از من و توبه از شماست. بهشت از من و طاعت از شما. رزق از من و شکر از شما. قضا از من و رضا از شما. بلا از من و صبر از شما. و اجابت از من و دعا از شما.

خبر

به همت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

جامع‌ترین نرم‌افزار همراه قرآنی تولید شد

نرم‌افزار «جامع قرآنی» با امکاناتی همچون ارائه ۴۵ تفسیر فارسی، ۲۱۱ عنوان تفسیر عربی و چهار تفسیر انگلیسی در مجموع به تعداد ۲۶۰ عنوان تفسیر در بیش از هزارو۶۰۰ جلد از سوی مؤسسه نور منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، نرم‌افزار «جامع قرآنی» از کامل‌ترین و جامع‌ترین نرم‌افزارهای همراه است که از سوی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی «مؤسسه نرم‌افزاری نور» منتشر شد.

مـرکـز تـحـقـیـقـات کـامـپـیـوتـری عـلـوم اسـلامـی بـا سـابـقـه‌ای دیـریـن در عـرضـه نـرم‌افـزارهـا و دانشنامه‌های قرآنی نظیر نورالانوار، جامع تفاسیر، دانشنامه علوم قرآنی و... و پایگاه جامع علوم قرآنـی، در گامی جدید اقـدام بـه عرضه نسخه اندروید قرآن کریم به علاقه‌مندان و شیفتگان این کلام الهی کرده است.

ایـن نـرم‌افـزار، جامعی از متن کامل قرآن کریم، ترجمه و تفسیر و امکانات بدیعی چون فهرست موضوعی، اعلام و اعـراب قرآن کریم است که در نسخه‌ای بی‌نظیر به صورت رایگان به جامعه قرآنی ایران و جهان تقدیم شده است. این برنامه اولین نرم‌افزار پژوهشی قرآنی است که به صورت نسخه همراه تهیه و عرضه شده است به‌گونه‌ای که در ایران و جهان نظیری ندارد. رسم‌الخط کلمات با خط عثمان طه و نیریزی است.

در ایـن نسخه عـلاوه بـر متن قـرآن کـریـم، ترجـمـه‌هـای قـرآن، منابع تـفـسـیـری، احـادیـث تـفـسیری، فهرست موضوعی، اعلام و اسماء، آیات مرتبط و اعـراب قرآن ارائه و همچنین قابلیت‌های دیگری از قبیل جست‌وجوی محتوا، صـوت قـرآن و... بـرای کـاربـران فراهم شده است.

کاربران می‌توانند پس از قطع ارتـبـاط بـا شبکه از مـتـن قـرآن، ترجـمـه‌هـای دانـلـود شـده و دو تـفـسـیـر و صـوت قـرآن کـریـم به صورت آفلاین استفاده کنند.

از جمله امـکـانـات ایـن نـرم‌افـزار موبـایـلـی، ارائـه ۲۲ ترجمه به ۳۲ زبان زنده دنیا همچون انگلیسی، آلمانی، ترکی، ایتالیایی و... است که ذیل آیات با امکان انتخاب و استفاده ترجمه مورد نیاز کاربر قرار دارد. امکان قرائت آیات قرآن براساس قاریان مشهور ایران و جهان از دیگر ویژگی‌های این نرم‌افزار است.

ارائـه ۴۵ تفسیر فارسی، ۲۱۱ عنوان تفسیر عربی و چهار تفسیر انگلیسی درمجموع به تعداد ۲۶۰ عنوان تفسیر در بیش از هزارو۶۰۰ جلد و نیز اعلام قرآن، اعم از اعلام خود قرآن و اعلامی که در شأن نزول آیات آورده شده و نیز فرهنگ جامع موضوعی قرآن کریم با بیش از ۲۵۰هزار مفهوم و موضوع از قرآن، برچسب‌گذاری تک تک آیات از نظر صرفی و نحوی و همچنین معرفی جامع شأن نزول آیات، خواص سوره، مفاهیم کلی سوره، تعداد صفحات، علت نام‌گذاری، ترتیب نزول، محل نزول و سایر موارد از جمله امکانات این نرم‌افزار محسوب می‌شود.

بخش‌های مختلف نـرم‌افزار قرآن شامل صفحه قرآن کریم: نمایش متن قرآن کریم بر اساس نسخه عثمان طه و قرآن املایی همراه با ترجمه و صوت قرآن کریم؛ ترجمه و تفسیر: مشتمل بر ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف زنده دنیا، منابع تفسیری شیعی و سنی، احادیث تفسیری، اعراب قرآن؛ آیات مرتبط با لحاظ سه نوع ارتباط لفظی، موضوعی و همنشینی است.

همچنین فـهـرسـت مـوضـوعی قرآن کریم در دو بخش عربی و فارسی همراه با گروه‌بندی و اعلام و اسماء قرآن مشتمل بر اعلام و اسماء قرآنی و اسباب نـزول اعـم از صـریـح و غیر صریح به صـورت گروه‌بندی شـده همچنین اعـراب قرآن مشتمل بـر تحلیل صرفی، ترکیب نحوی و تحلیل بلاغی آیـات قـرآن کـریـم از دیگر بخش‌های این نرم‌افزار است.

دین پژوهی

انتشار شماره جدید مجله «فرهنگ رضوی»

شـماره ۳۶ از مجله علمی-پژوهشی «فرهنگ رضوی» در زمستان ۱۴۰۰ در ۲۳۶صفحه منتشر شد.

بـه گـزارش خـبـرگـزاری کـتـاب ایـران، نشریه علمی «فرهنگ رضوی» با صاحب امتیازی بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا(ع) به صورت فصلنامه و به زبان فارسی منتشر می‌شود و از لحاظ اصول اخلاقی از دستورالعمل COPE پیروی می‌کند.

عناوین مقالات منتشر شده در این شماره عبارت‌اند از: بررسی صـدوری و دلالی روایـات رضـوی «تشبیه سلاح نبوی به تابوت بنی‌اسرائیل»، ارائـه مدل حکمرانی در سـازمـان‌هـای موقوفه (مطالعه مـوردی: آسـتـان قدس رضـوی)، شناخت و تبیین منابع زندگانی امام رضـا(ع)، گـزارش علی‌بن‌جعفر از امام رضـا(ع)دربـاره حکم مرتد فطری، اعتبارسنجی روایت امام رضـا(ع) در تفسیر آیه ۴۴ سوره اعراف(نقدی بر دیدگاه آلوسی)، بازتاب انقلاب اسلامی در معماری معاصر ایران در بازه زمانی ۷۷-۵۷ (نمونه موردی: حرم رضوی) و تحلیل استناد به آیه مباهله در مناظرات رضوی.

در چکیده مقاله‌ای که در این شماره از نشریه چاپ شده می‌خوانیم: «نشانه‌های امـام مـلاک اسـاسی در عرصه امام‌شناسی است؛ چنان‌که در پرتو نوع نگرش به این مقوله مذاهب گوناگونی پدیدار شد. البته امامان معصوم(ع) از همان آغـاز اهـم نشانه‌ها و ملاک‌ها در این عرصه را بیان کردند، اما بنا بر روایـاتـی از اهـل بیـت(ع) بـه‌ویژه از امام رضـا(ع)، سلاح رسول خدا(ص) به منزله «تابوت در میان بنی‌اسرائیل و نشانه امامت» یاد شده است. نظر به شهرت این روایات و ابهاماتی مانند وجه شباهت، سهم این تشبیه در احتجاج با مخالفان، این نوشتار بر پایه گونه‌شناسی و تحلیل فضای صدوری درصدد واکاوی فقه الحدیثی این دسته از روایات امام رضا(ع) است. بررسی‌ها نشان می‌دهد یادکرد روایی سلاح نبوی در گونه‌های «در شمار نشانه‌های امـام»، «تشبیه به تابوت بنی‌اسرائیل و پیوند با مقوله امامت» و «میراث اختصاصی اهل بیت(ع)» نمایان است و اغلب در دوران امام سجاد(ع) تا امام رضا(ع) در رویارویی با مدعیان دروغین امامت در برابر فرقه‌های کیسانیه، زیدیه، عجلیه، فطحیه، اسماعیلیه، واقفه و... به‌ویژه بنی‌عباس که همگی مدعی وراثت و خلافت نبوی بوده‌اند، صادر شده است. از طریق استدلال به در اختیار داشتن سلاح نبوی، اهل بیت(ع) به عنوان وارثان ویژه سلاح و علم نبوی معرفی می‌شدند که از ناحیه خداوند به امامت منصوب شده‌اند، چنان‌که در قرآن، وارث بودن در کنار امامت ذکر شده و در قصه طالوت، آمدن تابوت مشتمل بر میراث انبیا، نشانگر اصطفا و نصب الهی طالوت بر خلافت بود».

گفتنی است بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا(ع) در راستای اجـرای بند ۱۴ ماده ۶ اساس‌نامه و به منظور گسترش فرهنگ منور رضـوی و ایجاد جریانی پویا در عرصه گسترش و تعمیق معارف رضوی و کمک به ارتقای بخش پژوهشی جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع)، ازسال ۱۳۹۲ انـتـشـار فـصـلـنـامـه عـلـمـی - پـژوهـشـی «فرهنگ رضـوی» را بـا اهـداف ذیـل آغـاز کـرد: کمک به گسترش فرهنگ رضوی‌پژوهی در مراکز علمی و پژوهشی؛ ترویج و تعمیق فرهنگ و معارف رضوی؛ ارتقا و ارائه تولیدات علمی جشنواره بین‌المللی امام رضـا(ع) و انتشار فصلنامه‌ای معتبر و مرجع با اعتبار علمی-پژوهشی درزمینه فرهنگ و معارف رضوی.

انا الضامن لمن لم یهجس فی قلبه الا الرضا ان یدعو الله فیستجاب له

کسی که در دلش هوایی جز خشنودی خدا خطور نکند، من ضمانت می کنم که خداوند دعایش را مستجاب کند.

حکایت

سلطان بی‌سلطنت

آورده‌اند: وقتی نصر بن احمد وارد نیشابور شد و تاج بر سر گذاشت و مردم به حضور او می‌رسیدند، در این هنگام خیالات غرورآمیز به قلبش خطور کرد و به حاضران گفت: کسی هست که آیه‌ای از قرآن بخواند؟ مردی شروع کرد به خواندن قرآن، تا به این آیه رسید: «لِمَنِ الْمُلْکُ الْیَوْمَ» که در آن روز (قیامت) سلطنت از آن کیست؟ امیر از تخت خود پایین آمد، تاج را از سر برداشت و برای خدای تعالی سر به سجده گذاشت و گفت: خدایا! ملک و سلطنت از آن تو است نه من.